

## به یاد پوران بازرگان

زهره ستوده

پوران بازرگان شبانگاه ۱۶ اسفند ۱۳۸۵ (۶ مارس ۲۰۰۷) در سن هفتاد سالگی پس از یک سال نبرد جانکاه با بیماری در تبعید درگذشت.

پوران از میان ما رفت گرچه باور این واقعیت تلخ برای من بسی دردناک، اما حضورش در تاریخ مبارزات مردم ما ماندگار است.

من می خواهم از کسی تجلیل کنم که سالهای بسیاری یعنی بیست و اندی سالهای تبعید را در کنارش بودم، می خواهم از او با زبان خودش بگویم تا شاید گوشه ای از افق و آرزوهای بزرگش را بیان کرده باشم. از عشق او به انسانها و به آینده ای عاری از ستم و استثمار، از امید او به جهانی بهتر، از شجاعت و جسارتی که این امید و آرزو به او بخشیده بود.

پوران بازرگان در خانواده ای سنتی و مذهبی تربیت شد، در فضایی که رفتن دختران به مدرسه یک پیکار علیه سنت و فرهنگ مردسالارانه بود. او به مدرسه رفت تا آغازی برای شکستن این سد باشد تا موانع حضورش در مشارکت سیاسی اجتماعی را یکی پس از دیگری پس زند. و اینگونه بود که پوران از معدود زنانی شد که در آن دوره، جسورانه خود را به جنبش انقلابی تحمیل کرد. خود او در این مورد می گوید: "در حالی که همه درهای تنفس در حیات اجتماعی بسته بود، برای زنان مبارز ما پیوستن به یک سازمان مبارز و مخفی شدن نهایت آرزو بود."

پوران در مورد فشارهایی که بر زنان برای حضور در تشکلات انقلابی بود می گوید:  
"از یکسو دختران بیشتر تحت فشار خانواده و سنت های حاکم بودند و به این دلیل در عضوگیری دختران تردید و تامل زیاد به کار می رفت. از سوی دیگر ذهنیت مردسالارانه نیز وجود داشت."  
شاید امروز برای ما این امری ساده باشد اما یادمان باشد که "معما چو حل گشت آسان شود" برای نسل من و نسل بعدی ورود به سازمانها و تشکلات سیاسی آسانتر شده است زیرا زنانی چون پوران ها در اقلیت مطلق راه را برای ما و دختران ما باز کردند. پوران می گوید: "مشارکت ما بعنوان دانشجو در اعتصابات دانشگاه خود اقدامی جسورانه محسوب می شد و بی آن که خود بدانیم نوعی ابراز شخصیت برابر با مردان بود."

پوران حضور خود و زنانی چون خود را جمع بندی می کند و می گوید: "ابتکار هایی که توسط زنان در استفاده از زبان رمز و جاسازی اسناد در این دوره بروز کرد فراموش نشدنی است و نشان می دهد که اگر زنان زمینه مناسب برای انجام کار خویش بیابند و موانع فکری و عملی از پیش پای شان برداشته شود به هیچ وجه از مردان کمتر نیستند."

پوران از انگیزه زنان برای پیوستن به مبارزه انقلابی می گوید، انگیزه ای که هنوز محرک اکثریت زنان برای شرکت در تغییرات بنیادی جامعه است. او در این مورد گفت:

"نکته مهم تر این بود که زنان به دلیل ستم مضاعفی که بر آنان روا داشته می شود به مبارزه سیاسی و تشکیلاتی علیه رژیم با شور و فداکاری زیادی می نگرستند و همه امکانات خود را در این راه می نهادند. پیوستن به یک سازمان مبارز بمثابة جبران تحقیری بود که بر آنها بعنوان زن اعمال شده بود."

او از زبان زنی مبارز می گوید:

"می خواهم در سازمان مبارزه کنم اگر کشته شوم عیبی ندارد حداقل شوهرم که مرا اینقدر تحقیر می کرد خواهد فهمید که من شایسته آن برخوردها نبودم."

پوران نه فقط انگیزه زنان در مبارزه انقلابی را تحلیل کرد، بلکه توقع و انتظار آنان از مبارزه را نیز به

روشنی پاسخ می دهد: "اما آنچه جوهر مسئله است این بود که زنان حق خود می دانستند که در مبارزه سرنوشت سازی که به امید نیل به آزادی و عدالت اجتماعی جریان داشت مشارکت فعال و برابر داشته باشند....."

ما همگی در وضعی قرار داشتیم که واژگونی رژیم سیاسی برایمان کلید هر تحولی تلقی می شد و طبعا گمان می بردیم که مسائلی از قبیل مردسالاری و تبعیض های رایج سنتی به دنبال پیروزی انقلاب حل شدنی است."

بد نیست یادآوری کنم که این روزها برخی، زنان را سرزنش می کنند که چرا وقتی در کنار مردان در سازمانها و احزاب مبارزه می کنند تن به مردسالاری می دهند. در حالی که جوهر مسئله همانگونه است که پوران از قول خواهرش حوری می گوید: "اگر همه دشواری های کنونی مبارزه حداقل به کم شدن بار ستمی که بر زنان می رود بیانجامد باز خوب است و به زحماتش می ارزد."

اما پوران هیچ توهمی نداشت. زنی انقلابی و هشیار بود و سالها تجربه در صفوف مبارزه انقلابی به او آموخته بود که رهایی و آزادی زنان به این سادگی ها نیست و در نوشته خود گفت: "عجیب نیست. وقتی می بینیم که پس از سالها و از سر گذراندن تحولات بسیار هنوز هم این ذهنیت در جامعه روشنفکری و سیاسی و مبارز ما کمتر تکان خورده می توانیم وضع آن زمان را بهتر مجسم کنیم. به هر حال نگرشی که در مورد مشارکت زنان در امور تشکیلاتی و سیاسی وجود داشت در عمل و در واقع امر، مشارکت ثانوی و پشت جبهه ای بود."

و بالاخره می گوید: "باری تا قبل از سال ۵۰ فعالیت ما زنان در سازمان در صف اول نیست. جانبی است، تبعی است و عاطفی". البته پوران برای اینکه جای خوش خیالی باقی نگذارد و کسی فکر نکند گویا پس از دهه ۵۰ ناگهان جنبش انقلابی ما دگرگون شده است گفت: "فراوانند کسانی که درباره حقوق زنان تئوری می بافند و قلم فرسائی می کنند اما در عمل همان برخورد کهنه و عقب مانده را دارند."

اگر اجازه دهید مایلیم به یکی از مهمترین ویژگی های او اشاره کنم. پوران یک انترناسیونالیست بود و نه در حرف چون موعظه ای اخلاقی، بلکه در عمل. او به جهانی بودن امر رهایی ستمدیدگان اعتقاد عمیق داشت. پوران زمانی که از مبارزه مردم جهان صحبت می کرد و در مبارزات آنان شرکت می کرد، نشان داد که یک کمونیست نه فقط باید انترناسیونالیستی فکر کند بلکه انترناسیونالیستی هم باید عمل کند.

من نمی خواهم به این موضوع بپردازم که پوران چگونه قلبش برای مبارزات رهاییبخش مردم فلسطین می تپید و یا اینکه در عمل نیز در صفوف جنبش رهاییبخش مردم فلسطین و ظفار پیکار کرد. او به مبارزات زنان نیز بعنوان مبارزه ای جهانی می اندیشید و بی جهت نبود که ستم بر زنان افغانستان و عراق و فلسطین او را خشمگین می کرد به همان اندازه ای که ستم بر زنان ایران را بر نمی تافت.

پوران در بزرگداشت مراسم روز جهانی زن در مارس ۲۰۰۴ که خود از برگزارکنندگان این مراسم نیز بود، طی سخنرانی که به زنان عراق تقدیم کرد، تحلیل بسیار مفصلی از موقعیت زنان عراق و مبارزات آنان از سالهای ۱۹۴۳ به بعد را ارائه داد. او در این سخنرانی که پس از حمله آمریکا و دولتهای متحد غربی به عراق و اشغال آن بود گفت:

"اشغالگران که بنام استقرار "دمکراسی" در عراق، دست به این جنایت بزرگ قرن زدند، جنایتکاری را که در مقایسه با خودشان کوچک بود، از میان برداشتند و خود - بدتر - جایگزین آن شدند....."

گزارش هایی که از اوضاع آشفته کشور اشغال شده عراق در اینجا و آنجا منتشر می شود غیر از خشونت بی حدی که سربازان اشغالگر بر مردم اعمال می کنند و در این کار تجربه سرکوب های وحشتناک ویتنام و فلسطین را تکرار می کنند و زنان و کودکان را به وحشت دائم و محرومیت از حداقل زندگی مبتلا کرده اند. و نامنی را چنان گسترش داده اند که زنان را غالباً خانه نشین کرده و به درون چادر و حجاب رانده اند. ستم جنسی در چنین اوضاع بحرانی کاراتر و براتر از همیشه و همراه با توجیحات مذهبی و سنتی، زنان عراق را زیر ضربات خرد کننده خود قرار داده است."

به من اجازه دهید به خصوصیت دیگری از پوران اشاره کنم خصوصیتی که بدون آن صحبت از کمونیست بودن و تلاش جهت خلق جهانی عاری از ستم و استثمار بیهوده است. پوران به مردم عشق می ورزید

از همان روزهایی که گام در مسیر مبارزه انقلابی گذاشت. او معلم شد تا از نزدیک با جوانان که منادیان تغییر جهانند، آشنا شود همراه آنان بخواند و بداند و به باوری مشترک برسد.

عشق و علاقه پوران به انسانها برجسته بود. او نه فقط در کنار مبارزات عمومی مردم علیه بی عدالتی حضور داشت. بلکه در کنار مبارزات فردی انسانها علیه بی عدالتی نیز قرار می گرفت و از هر گونه عافیت جویی و مصلحت طلبی در زندگی فردی و اجتماعی بدور بود.

وقتی با پوران از خودش و مبارزاتش سخن گفته می شد، او فروتنانه به مبارزات زنانی اشاره می کرد که به لحاظ فکری با آنها تفاوت داشت، او ضمن ستایش و احترام به مبارزات زنانی چون فاطمه امینی، زری میهن دوست، سیمین تاج جریری، منیژه اشرف زاده کرمانی و ..... "از زنانی که در صفوف سازمان های مبارز دیگر فعالیت می کردند چون مرضیه احمدی اسکویی، فاطمه ابراهیمی .... و بسیاری دیگر از همه گروه های مبارز، چه شناخته شده ها و چه بخصوص گمنامان" نیز تجلیل به عمل می آورد. پوران مبارزه را امری در جهت اهداف انسان می دید و به انحصار طلبی تنگ سازمانی اعتنایی نداشت.

جهانی که پوران نویدش را می داد خود در زندگی روزمره بکار می برد. او برای دست یافتن به جهانی انسانی و عادلانه، روش و منشی انسانی داشت. او راز جدال ذهن و عین را دریافته بود و خط سرخ زندگی اش جلوه ای از آمیزش هر چه بیشتر حرف و عمل بود.

پوران امروز دیگر در میان ما نیست اما نگاه پوران به جهان و آینده، دریچه ای بسوی آزادی و رهایی انسانها از قید هرگونه ستم و استثمار است. زندگی پوران نشان داد که حرف لوسی اوبراک از زنان عضو جنبش مقاومت فرانسه درست بود وقتی که گفت، بدون زنان، مقاومت هیچ کاری نمی توانست انجام بدهد. هم او که می گوید: "کلمه مقاومت کردن همیشه باید در زمان حال صرف شود".

لوسی اوبراک نیز در سن ۹۴ سالگی چند روز پس از پوران در فرانسه درگذشت. او نیز مانند پوران تا آخرین دقایق زندگی دست از مبارزه علیه هر نوع بی عدالتی برنداشت. مبارزه او برای حق رای زنان و شرکت او در تظاهرات خارجیان بدون کارت اقامت در تاریخ مبارزات فرانسوی ها ماندگار است. پوران ها و لوسی ها در سراسر دنیا الگوی مبارزه علیه فاشیسم و دیکتاتوری و ستم بر زنان هستند.

۱۷ مارس ۲۰۰۷

پاریس - فرانسه

-----

\* کلیه نقل قولهای این متن از مقالات مختلف پوران بازرگان است که جهت دسترسی به آنها می توان به سایت اندیشه و پیکار مراجعه کرد.